

שבת שלום

בס"ד



نشریه شماره 579 - پاراشای هفته (سفر شموت):

מישפטיים (משפטים)

חפזא: ויכרות יהוידע (מלכים ב' יח:א)

جمعه 8 بهمن 1400

(26 شواط 5782 عبری)

شمع شبات: 17:10

آغاز شبات: 17:20

زمان ارجح پایان شبات: 18:29

مصرف می کنیم و نان برای ما اهمیت ویژه ای دارد و الان که می خواهیم آن را باطل و نابود کنیم و حتی بسوزانیم ، امکان دارد برای ما بدگویی برانگیخته شود. ولی چون فرشته ها زبان آرامی را متوجه نمی شوند ، بنابراین حخامیم می فرمایند این متن به زبان آرامی خوانده شود تا راجع به ما بدگویی صورت نگیرد .

اگر در مورد نباتات و چارپایان ، تورا اینگونه سخت می گیرد، پس صدالبته نباید باعث آزار و رنجش خاطر انسان دیگری شد .

پس از ابلاغ ده فرمان به بنه ییسرائل ، فوراً پاراشای میشپاطیم شروع می شود که اولین موضوع در این پاراشا، طرز رفتار با غلام یهودی می باشد، حتی غلامی که به خاطر دزدی کردن مجبور به غلامی شده است. چرا تورا اینقدر به این موضوعات

اهمیت می دهد؟ آیا نباید فقط در مورد شبات ، صیصیت ، تفلین ، بریت میلا و .. صحبت می کرد؟! جواب حخامیم این است که : این چیزی است که هشتم ییتبارخ می خواهد . چیزی که برای هقادوش باروخ هو بسیار اهمیت دارد، احترام نهادن و اذیت نکردن فرد دیگر است حتی به فردی که دزدی کرده و مجبور به غلامی شده است .

این موضوع در نظر خد-اوند بسیار مهم است که هر فردی، دیگری را دوست داشته باشد و به او احترام بگذارد. البته لازم به ذکر است که نباید خدای نکرده میصوایی راجه خاطر این مورد زیر پا نهاده و یا و انجام نداد .

داستانی در مورد ربی ییسرائل میسאלانت تعریف می کنند که یک روز در خانه شاگردش مهمان بود. هاراو ییسرائل رسم داشت برای نظیلا گرفتن دستانش آب زیادی مصرف می کرد (همان طور که در گمارا توصیه می شود) اما این بار برعکس عمل کرد و تا جایی که می شد از آب محدودی برای نظیلا استفاده کرد . شاگردش بسیار تعجب کرد و از آنجایی که نمی توانست کنجکاوای خودش را نگه دارد، از هاراو پرسید: لطفاً به من یاد بدهید چرا این بار از مقدار کمی آب استفاده کردید؟! هاراو جواب داد : زمانیکه دیدم خدمتکار تو که وظیفه آوردن آب را برعهده دارد ، بسیار اذیت می شود ، به خودم گفتم در این موضوع که بخواهم به قیمت اذیت و آزار فرد دیگری برای نظیلا از آب

اکثر میصواها و قوانینی که در این پاراشا وجود دارد در مورد ارتباط انسان با انسان های دیگر می باشد و اصل دستورها بین فردی با فرد دیگر گره خورده است . ابتدا پاراشا در مورد عذاب دادن فرد یتیم و بیوه ، قرض دادن به فرد فقیر ، کمک به کسی که حیوان بارکشش که زیر بار خم شده است. حخامیم در گمارا مسخت بابا مصیعا می فرمایند : اگر یکی از دوستان انسان، از او درخواست می کند که باری را از چارپای او پایین بیاورد و از طرف دیگر، دشمنش از او درخواست کند که باری را روی چارپایش بگذارد ، انسان باید ابتدا به دشمنش کمک کند تا بتواند بر غریزه بدش چیره شود . حخامیم می فرمایند انسان باید همیشه به دیگران احترام بگذارد و به آنها احساس خوب دهد و با آنها خوش رفتاری کند .

دفعات زیادی اگر فردی خانه یا وسیله ای را می خرد ، وظیفه داریم از آن چیز خریداری شده تعریف کنیم زیرا قبلاً خریداری کرده است و اگر در مورد آن، بد صحبت کنیم ، باعث ناراحتی آن فرد می شویم .

تورا نه تنها به شخصیت و احترام یک انسان اهمیت داده است بلکه در مورد احساس

حیوانات و نباتات نیز صحبت می کند؛ به طور مثال در تورا آمده است : گاو و خر را همزمان برای شخم زدن استفاده نکن . زیرا زمانی که گاو غذا می خورد ، نشخوار می کند، درحالیکه بلع الاغ اینگونه نیست و زمانیکه آن دو کنار هم ایستاده اند ، الاغ وقتی می بیند که گاو مشغول نشخوار کردن است ، فکر می کند که به او غذا داده اند ولی او از غذا محروم است و این مسأله باعث ناراحتی اش می شود. برای همین تورا دستور می دهد که آن دو را با هم برای شخم زدن استفاده نکنیم. در کتاب حیزقونی دلیل دیگری برای این دستور می آورد و می فرماید چون قدرت آنها با هم مساوی نیست از آنها با هم استفاده نشود که هیچیک عذاب نکشد. در واقع ریشه هر دو دلیل فوق، اهمیت دادن به چارپایان و جلوگیری از رنج و عذاب آنهاست .

سوال دیگری که حخامیم می پرسند این است که چرا باید در آدینه موعدها پسح ، متن کل حمیرا را باید به زبان آرامی در مورد حامص بخوانیم و نه به زبان عبری؟! یک جواب این است که در طی سال، نان



زیادی استفاده کنم ، هیچ میسوایی وجود ندارد و بهتر است فقط در همان حد که لازم است میسووا را انجام دهم و باعث ناراحتی یا زحمت دیگران نشوم .

در مورد یک زوج جوان داستانی تعریف می کنند که آنها وضع مالی بسیار نامساعدی داشتند و با شش فرزند که داشتند ، زندگی را به سختی می گذراندند. از نظر مالی به حدی رسیده بودند که از طرف اداره برق برای آنها هشدار آمده بود که چنانچه هزینه برق مصرفی را پرداخت نکنند به زودی برق آنها قطع خواهد شد و مبلغ چهار هزار دلار باید پرداخت می کردند . وقتی آن خانواده چنین چیزی دیدند بسیار ناراحت شدند ولی با این وجود، ایمانشان را از دست ندادند ولی نمی دانستند که باید چه کاری انجام دهند . مرد خانواده به هقادوش باروخ هو رو کرد و تفیلا خولند و گفت: سرور عالم! پدر عزیز من! تو همسر و شش بچه را به من سپردی تا به آنها برسم و خوراک و پوشاک آنها را تامین کنم. اما من چیزی در دستم ندارم . من می دانم که فقط تو روزی رسان هستی . فقط تو می توانی کسی را ثروتمند یا فقیر کنی . تویی که انسان را از عرش به فرش می اندازی . خواهش می کنم به من کمک کن تا حتی المقدور برق خانه ام قطع نشود . از آنجایی که یک یهودی موظف است که یک حرکت و تلاشی بکند تا هشتم بیتبارخ به او رزق و روزی برساند ، تصمیم گرفت کارت قرعه کشی خریداری کند . اما داخل کارت او فقط ایمان به خدا بود . زمانیکه بلیط بخت آزمایی را خرید ، تفیلا خواند و از خدا خواست تا به او کمک کند و جز خواسته و اراده تو ، تعداد بلیط و زمان خرید بلیط ها و ... عامل موفقیت نخواهد بود .

همه چیز براساس نظارت توست که چه کسی بازنده و چه کسی برنده خواهد بود . تا روز بخت آزمایی تفیلا و تهیلیم زیادی خواند تا برنده شود . هنگامیکه در روز موعود، برنده ها اعلام شدند ، یکی از آنها شماره همین فرد باایمان بود . دوازده و نیم میلیون دلار به آنها رسیده بود . فوراً به همسرش اطلاع داد و از خدا بسیار تشکر کردند .

همه این مطالب حاکی از آن است که ما تحت هیچ شرایطی نباید ان خود را از دست دهیم و در هر موقعیتی که هستیم، باید بدانیم که هقادوش باروخ هو با ماست و با توکل به او می توانیم به زندگی خوب ، ثروت و شادی زیاد و ... مزکی شویم . همان طور که هشتم بیتبارخ جامعه اسرائیل را که در سختی بسیار زیاد در مصر زندگی می کردند ، از آنجا نجات داد و آنها را با ثروت زیاد از مصر بیرون آورد و تورا و میسووت و معسیم طوویم به آنها یاد داد تا آنها در راه هشتم باشند و خودش را در کوه سینی به آنها آشکار کرد .

به این امید که هرگز سبب آسیب ، آزار یا رنجش دیگران نشویم.